Original Article | Athar. 2019; 40 (1): 17-35

Athar – ISSN: 2538-1830

Investigation of Architecture and Decorations of Mir Haidar Monument in Esfandagheh, Jiroft County, Kerman Province, Iran

Masoumeh Barsam[1*], Yousef Faryabi[2]

1. PhD Candidate in Archaeology, Department of Archeology, Faculty of Conservation and Restoration, Isfahan University of Arts, Isfahan, Iran
2. Graduate of Art Research, Faculty of Arts, Sistan and Baluchestan University, Zahedan, Iran

Article Info

Original Article

Received: 2018/09/13;
Accepted: 2019/03/1;
Published Online 2019/03/30;

10.30699/athar.40.1.17

Use your device to scan and read the article online

Corresponding Author
Masoumeh Barsam
PhD Candidate in Archaeology, Department of Archeology, Faculty of Conservation and Restoration, Isfahan University of Arts, Isfahan, Iran

Email:
m.barsam92@gmail.com

ABSTRACT

Shrines are important in architecture and Iran culture in Islamic era. These buildings have different names based on the shape and function. The most important of these names include tower, cupola, monument, shrine, Imam shrine, Step, tombstone, tombs, burial, mourning and similar terms refer to a building that is placed on a grave. In the past, for graves, terms such as “Nahoft” (cache), “goorgah” and “goorjay” (both meaning place of grave) were also used, which was and indoor place with the grave placed inside it. Monument of Mir Heidar Esfandagheh is one of these places that is made on Mir Heidar’s grave, one of the mystics and elders of the tribe Mehni and of Abu Said Abolkheir descendants. The building is in the village of Dolatabad Esfandagheh from Jiroft city district and it belongs to the Safavid period. From inside the building map is crossover which in the top becomes eight sides and eight arcades and then round dome built on it. The tomb has bed decorations, geometric and arabesque with the Shah Abbas painting. The main question is, what are the architectural and decorative elements of the grave, and are similar to which buildings in terms of spatial structure and plan? The purpose of this paper is to investigate the architectural structure, decorative and artistic elements of the graveyard. The results showed that this building in terms of plan is similar to the monumental monuments such as the tomb of Mulla Hassan Kashi and Akhund Kouhbanani, Farfan Isfahan, Nask and Keshit of Golbaf. This paper studied the art and structure of Mir Heidar tomb. To achieve this goal, the architecture and details of this tomb were identified, introduced and analyzed. Data collection was performed in the field and library and data analysis was conducted based on inductive reasoning.

Keywords: Monument, Mir Heidar, Safavid architecture, Esfandagheh, Decoration

Copyright © 2019. This open-access journal is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms.

How to Cite This Article:

Barsam M, Faryabi Y. Investigation of Architecture and Decorations of Mir Haidar Monument in Esfandagheh, Jiroft County, Kerman Province, Iran. Athar. 2019; 40 (1): 17-35

فصلنامه علمی اثر - ۱۸۳۰-۲۵۳۸ - سال ۴۰، شماره ۱، بهار ۱۳۹۸

مقالهٔ پژوهشی

بررسی معماری و آرایه‌های تزئینی گورخانهٔ میرحیدر در اسفندقهٔ جیرفت کرمان، ایران

معصومه برسم*[۱]، یوسف فاریابی[۲]

۱. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی،گروه باستان¬شناسی،دانشکده حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران
۲. دانش‌آموختهٔ کارشناسی ارشد پژوهش هنر ،دانشکده هنر، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

اطلاعات مقاله

دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۲۲
پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۱۰
انتشار آنلاین: ۱۳۹۸/۰۱/۱۰

نویسندهٔ مسئول:
معصومه برسم
دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی، دانشکده حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران

پست الکترونیک:
m.barsam92@gmail.com

خلاصه

آرامگاه‌ها در معماری و فرهنگ ایران دورهٔ اسلامی اهمیت بسیاری دارند. این بناها با توجه به تناسب شکل و کارکرد خود نام‌های گوناگونی دارند، از جمله برج، گنبد، بقعه، مزار، امامزاده، قدمگاه، زیارتگاه، آرامگاه، مدفن، روضه و الفاظ مشابه که ممکن است به ساختمانی نهاده بر گور اشاره داشته باشد. در قدیم برای گور واژهٔ «نهفت» و واژه‌هایی مانند گورگاه و گورجای نیز استفاده می‌شد که شامل فضایی سرپوشیده روی قبر بود. گورخانهٔ میرحیدر اسفندقه یکی از این فضاهاست که روی مقبرهٔ میرحیدر از عارفان و بزرگان ایل مهنی و از نوادگان ابوسعید ابوالخیر بنا شده است. این بنا در روستای دولت‌آباد اسفندقه از توابع شهرستان جیرفت قرار دارد و متعلق به دورهٔ صفوی است. نقشهٔ بنا از داخل چلیپایی است که در بالا به هشت ضلع و هشت طاق‌نما تبدیل شده است و سپس گنبد مدور را روی آن ساخته‌اند. این آرامگاه دارای تزئینات گچ‌بری، نقوش هندسی و اسلیمی با نقش شاه‌عباسی به‌صورت نقاشی روی گچ است. سؤال اصلی این است که عناصر معماری و تزئینی گورخانهٔ میرحیدر چگونه است و از نظر ساختار فضایی و پلان به کدام بناهای آرامگاهی شباهت دارد؟ هدف این مقاله، بررسی ساختار معماری، عناصر تزئینی و هنری گورخانهٔ میرحیدر است. نتایج نشان می‌دهد این بنا از نظر پلان با بناهای آرامگاهی مانند مقبرهٔ ملاحسن کاشی و آخوند کوهبنانی، فارفان اصفهان، نسک و کشیت گلباف شباهت دارد. برای رسیدن به این هدف، شناسایی، معرفی و تحلیل معماری و جزئیات این آرامگاه صورت گرفت. اطلاعات نیز به‌صورت میدانی و کتابخانه‌ای جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها براساس استدلال استقرایی انجام شد.

کلیدواژه‌ها: گورخانه، میرحیدر، معماری، اسفندقه، تزئینات

حق کپی رایت انتشار: این نشریه ی دارای دسترسی باز، تحت قوانین گواهینامه بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 International License منتشر می‌شود که اجازه اشتراک (تکثیر و بازآرایی محتوا به هر شکل) و انطباق (بازترکیب، تغییر شکل و بازسازی بر اساس محتوا) را می‌دهد.

مقدمه

ساختن بنا و گنبد بر مزار مردگان در همهٔ تمدن‌ها وجود داشته و در تاریخ ایران نیز آثار زیادی بر مقابر بزرگان سیاسی و مذهبی ساخته شده است. دلیل اولیهٔ شکل‌گیری بناهای مذکور، تدفین فردی با شاخص مذهبی یا سیاسی بوده است. ساخت این بناها عموماً از سوی مردم و علاقه‌مندان و گاه توسط حکومت‌های علاقه‌مند بنا به دلایل سیاسی و مذهبی انجام می‌شده است. با توجه به اهمیت این بناها در معماری ایران دوران اسلامی، پژوهش حاضر به‌دلیل بررسی ابعاد مختلف شکل‌گیری و توسعهٔ این بناها از اهمیت فراوانی برخوردار است. در اواخر دورهٔ اسلامی معماری، آرامگاه در ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است؛ درحالی‌که جامعهٔ نخستین اسلامی احداث بنای یادبود را بر محل دفن شایسته نمی‌دانست و می‌خواست حیات مادی انسان را بر خاک پایان دهد، اما بناهای یادبود به‌تدریج بر فراز قبهٔ بزرگان دین و خلفا شکل گرفت. در ایران به‌دلیل گرایش‌های شیعی، ساخت این نوع بناها در مقایسه با دیگر کشورهای اسلامی بیشتر مشهود است (پیرحیاتی و دیگران، بی‌تا، ۲). در دورهٔ صفوی، بناهای آرامگاهی به دلایل مذهبی و سیاسی، به‌عنوان نماد سیاسی و مذهبی تشیع شناخته شدند. توجه شیعیان به این مکان‌ها نیز ضامن بقای بناها شد. گورخانهٔ میرحیدر بنایی سالم است که در دهستان اسفندقه در میان کوهستان‌های شمالی و شمال غربی جیرفت از جمله کوه‌های بحر آسمان قرار دارد. به‌دلیل این موقعیت جغرافیایی این منطقه، پژوهشگران کمتر به آن توجه کرده‌اند و هیچ‌گونه فعالیت

پژوهشی در زمینهٔ بررسی و معرفی ویژگی‌های معماری و کارکرد این گورخانه منتشر نشده است. این امر سبب شد تا نگارندگان ویژگی‌های بنا را بررسی و تحلیل کنند. روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش با مطالعهٔ منابع کتابخانه‌ای و به‌صورت میدانی با مشاهده، عکس‌برداری از بنا و عناصر معماری آن بود. تحلیل داده‌ها نیز براساس استدلال استقرایی صورت گرفت.

پیشینهٔ پژوهش

از گورخانهٔ میرحیدر در کتاب‌های مربوط به شناسایی و معرفی استان کرمان، مانند کتاب «آثار تاریخی کرمان» نام برده شده است (خوش‌رو، ۱۳۸۷، ص. ۱۶۷). همچنین معصومی در کتاب «تاریخچهٔ علم باستان‌شناسی» به بازدید سرفراز و بررسی و حفاری علمی مهدی رهبر در سال ۱۳۶۱ در روستای کنارو، اسفندقه و قرقطوئیه اشاره کرده و از گورخانه نیز نام برده است (معصومی، ۱۳۸۹، ص. ۳۰۰). در دایرةالمعارف بناهای تاریخی در دورهٔ اسلامی (بناهای آرامگاهی) به گورخانه اشاره شده است (پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، ۱۳۷۶، ص. ۱۲). کیانی نیز در «کتاب معماری ایران دورهٔ اسلامی» از گورخانهٔ میرحیدر نام برده است و آن را متعلق به دورهٔ صفویه می‌داند (کیانی، ۱۳۷۹، ص. ۹۹). صفا در کتاب «تاریخ جیرفت و کهنوج» اشاره‌ای به گورخانه و جنگ‌های طوایف مهنی در دورهٔ قاجار داشته است (صفا، ۱۳۹۰، ص. ۱۷۴-۱۷۵). همچنین در سال ۱۳۸۵ علیداد سلیمانی طی بررسی دشت اسفندقه به مقبرهٔ میرحیدر اشاره کرده و شرح مختصری از بنا را در گزارش بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان جیرفت، حوزهٔ اسفندقه ارائه داده است (علیداد سلیمانی، ۱۳۸۵، ص. ۶۱)، اما در هیچ‌یک از این کتاب‌ها به توصیف و معرفی ویژگی‌های معماری و تزئینی بقعه پرداخته نشده است.

موقعیت جغرافیایی دهستان اسفندقه و گورخانهٔ میرحیدر

دهستان اسفندقه از توابع بخش مرکزی شهرستان جیرفت و در ۲۰۰ کیلومتری جنوب کرمان قرار دارد (شکل ۱). مرکز آن ده دولت‌آباد است. این دهستان در ۷۰ کیلومتری غرب شهرستان جیرفت و شرق شهرستان بافت و جنوب دهستان ساردوئیه و شمال آبادی‌های کوشک و صوغان واقع شده است. موقعیت طبیعی بیشتر آبادی‌های این دهستان دشتی و تپه‌ای است؛ به‌طوری‌که ارتفاع متوسط این آبادی‌ها ۱۸۳۸ متر از سطح دریاست (شکل ۲). آب و هوای این منطقه تا حدودی معتدل است و بیشتر نزولات در آن به‌صورت باران‌های فصلی است. اراضی آن را قنوات و شاخه‌ای از هلیل‌رود مشروب می‌کند. هوای آن مایل به گرمی است و در آنجا گندم و جو به‌خوبی عمل می‌آید. بیشتر مزارع آنجا ملک طایفهٔ مهنی است (ضیاءشهابی، ۱۳۸۱، ص. ۱۶). اسفندقه از دو کلمه اسفند + دق درست شده است (ابراهیمی؛ ابراهیمی‌پور، ۱۳۹۶: ۵۵). شاید به‌دلیل داشتن بوته‌های اسفند نام آن را اسفندقه گذاشته‌اند؛ البته در اصل باید اسفندگه (اسفندگاه) باشد؛ یعنی محلی که جای روییدن بوته‌های درختچهٔ اسفند است (رفعتی، ۱۳۸۶، ص. ۲۴۳).



شکل ۱. موقعیت جغرافیای دهستان اسفندقه

منبع: www. kermanshenasi.ir

دشت اسفندقه که به‌صورت طبیعی منطقهٔ میان‌کوهی محسوب می‌شود، در کوه‌های بحر آسمان محصور است. این دشت به‌دلیل موقعیت طبیعی هیچ‌گاه در مسیر راه‌های ارتباطی اصلی نبوده است، اما به‌دلیل خاک حاصلخیز و آب و هوای معتدل همواره در آن سکونت وجود داشته است. راه دسترسی به این حوزه از طریق دو شهرستان جیرفت و بافت میسر است. فاصلهٔ این منطقه تا شهر بافت ۸۰ کیلومتر است.

بقعهٔ میرحیدر در بخش غربی روستای دولت‌آباد و در میان باغی است که چهار طرف آن را درخت‌های انگور و انجیر احاطه کرده‌اند.

این بنا حدود ۱ کیلومتری غرب خانه‌های اربابی و بادگیر معروف اسفندقه واقع است. در فاصلهٔ ۲۰۰ متری شمال بقعه نیز قبرستان روستا قرار دارد. از نظر مختصات جغرافیای بقعهٔ میرحیدر در ۰۳/۲ ۰۷ ° ۵۷ طول شرقی و ۰۶ ۰ ۴۳ ° ۲۸ عرض شمالی واقع شده است و ارتفاع متوسط آن از سطح آب‌های آزاد ۱۷۵۵ متر است (شکل ۳).



شکل ۲. عکس هوایی از بخش اسفندقه

منبع: Google Earth



شکل ۳. تصویر ماهواره‌ای از بقعهٔ میرحیدر

منبع: Google Earth

دلایل شکل‌گیری آرامگاه‌ها در ایران

در دوره‌های نخستین اسلامی، مکان‌هایی که در آنها شخصیت‌های بزرگ مذهبی (صحابهٔ پیامبر) دفن می‌شدند، با قبه، خیمه، یا پوشش مشابه آن مشخص می‌شد. فراهم‌کردن سایه برای متوفی از مقوله‌هایی بود که مدنظر قرار می‌گرفت. این سایه به پیروی از قران به‌عنوان یکی از نعمت‌های بهشت تعبیر و تفسیر می‌شد. سرانجام این قبه‌های پارچه‌ای‌شکل یادمانی، آرامگاه نام گرفتند (هیلن برند، ۱۳۹۳، ص. ۲۶۸). آرامگاه تنها مکانی برای تدفین یا یادبود نبود. مقبره در جامعهٔ اسلامی و سده‌های میانه در میان تودهٔ مردم منزلتی بسیار یافت. این جنبه تنها به مقابر شخصیت‌های مشهور مذهب تشیع مربوط می‌شد. گاهی نام شخص اصلی مدفون در آرامگاه فراموش شده و به شخصیت دیگری با پیوند مذهبی منسوب می‌شد. این آمادگی برای انتساب مجدد آرامگاه‌های غیرمذهبی، نماد گویایی از هالهٔ تقدسی است که پیرامون مقبره‌ها در جهان اسلام وجود داشت (هیلن برند، ۱۳۹۳، ص. ۲۵۸). در ادامه فرضیه‌های ساخت آرامگاه آمده است:

۱. **به‌دلیل رواج فرهنگ جهاد و شهادت:** برای مثال در شمال شرق ایران که نزدیک بلاد کفر بود، بسیاری از این آرامگاه‌ها وجود دارد که مروج فرهنگ جهاد و شهادت است
۲. **به‌دلیل نفوذ فرهنگ و هنر معماری مناطق غربی**: از جملهٔ آنها می‌توان به قبه‌الصخره، برج‌های پالمیری و مقبرهٔ شهدای اولیهٔ مسیحی و... اشاره کرد
۳. **ساخت آرامگاه در جهان اسلام متأثر از فرهنگ و معماری نواحی شمال شرق ایران و آسیای مرکزی به جهان اسلام:** ترکان این مسئله را به ایران وارد کردند (کیانی، ۱۳۷۹، ص. ۶۳-۶۴).

پیشینهٔ تاریخی و ساختار معماری گورخانهٔ میرحیدر

گورخانهٔ میرحیدر از بناهای دورهٔ صفوی است که در روستای دولت‌آباد اسفندقه از توابع شهرستان جیرفت قرار دارد. این بنا پیش از اینکه به گورخانه تبدیل شود، محل سکونت افرادی بود که رسیدگی به شکایات مردم را بر عهده داشتند. گورخانه یک قطعه سنگ یشم داشت که بهارلوهای شیراز آن را غارت کردند. بانی گورخانه میرمست علی بود که براساس وصیت خودش در همان ساختمان (مقر حکومتی) دفن شد. بعدها افراد دیگری از جمله میرحیدر در گورخانه دفن شدند. سنگ‌قبر میرمست علی سنهٔ ۱۰۷۲[۱] و میرشاه جهانشاه ۱۰۸۶[۲] ق را نشان می‌دهد (رفعتی، ۱۳۸۶، ص. ۲۴۵). این بنا به‌عنوان مقبرهٔ خانوادگی ایل ابوسعیدی شناخته می‌شود. آنها خود را از نوادگان ابوسعید ابوالخیر می‌دانند که در دورهٔ صفوی از مهنهٔ خراسان به اسفندقه و بحر آسمان کوچانده شده‌اند و دلیل انتساب مهنی هم به‌خاطر منسوب‌بودنشان به سرزمین مهنه است.

میرحیدر پسر ارشد مشارالیه (میرسلیمان) به کلانتری بلوک اقطاع، جیرفت و ساردو و مناطقی که در اختیار پدرش میرسلیمان بود قیام کرد و در رعیت‌پروری و مراعات جانب آن مناطق اهتمام و کوشش تمام داشت. خوان احسانش همیشه گسترده بود، آینده و رونده به طعام و انعام او به حفوظ وافی بهره‌مند می‌شدند و در ماه تنگوزئیل[۳] میان او و غلامعلی رودباری منازعات و مخاصمات واقع شد. میرحیدر هرچند سعی کرد که دست تعدی میرغلامعلی از دامان شلتاقات و بی‌حسابی کوتاه شود، متقاعد و قانع نشد. از مطالعهٔ عالم‌آرای صفوی و مطالب مربوط به شاه نعمت‌الله ولی معلوم می‌شود که کلمهٔ میر مخصوص دراویش و صوفیه بوده است؛ بنابراین میرمست علی، میرسلیمان و میرحیدر از صوفی‌های طرفدار خاندان صفوی و خاک پای حضرت علی (ع) بودند (رفعتی، ۱۳۸۶، ص. ۱۶۸).

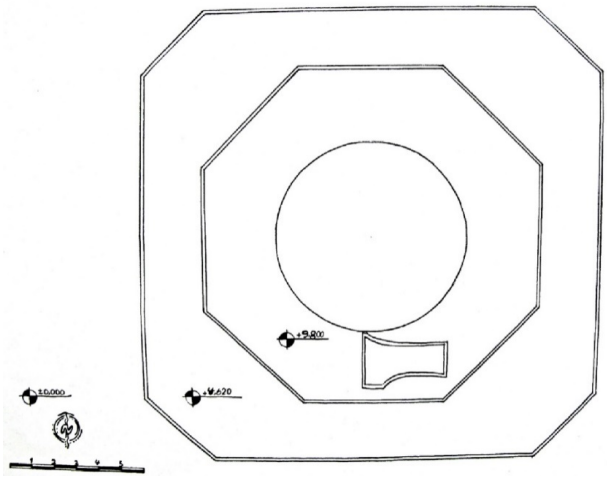
گورخانهٔ میرحیدر مهنی بنایی منفرد و از نوع ابنیهٔ آرامگاهی است که در منطقه به گورخانهٔ میرحیدر شهرت دارد. این بنا در فهرست آثار ملی در سال ۱۳۴۵ و با شمارهٔ ۵۳۲ ثبت شده است. سبک گورخانه، مربوط به دوران صفوی است (رفعتی، ۱۳۸۶، ص. ۲۴۵). ارتفاع بنا از سطح تا رأس گنبد گردپوش آن ۱۲ متر است. نقشهٔ اصلی بنا از دو طبقه به‌صورت هشت‌ضلعی و یک گنبد روی آن تشکیل شده است (شکل ۴). نقشهٔ بنا به مثمن بغدادی معروف است؛ نقشه‌ای مربع‌شکل با گوشه‌های پخ یا هشت گوشهٔ نامنظم که در متون «مثمن بغدادی» نامیده شده است (کریمی؛ افتخار، بی‌تا، ص ۲۳۰).

---

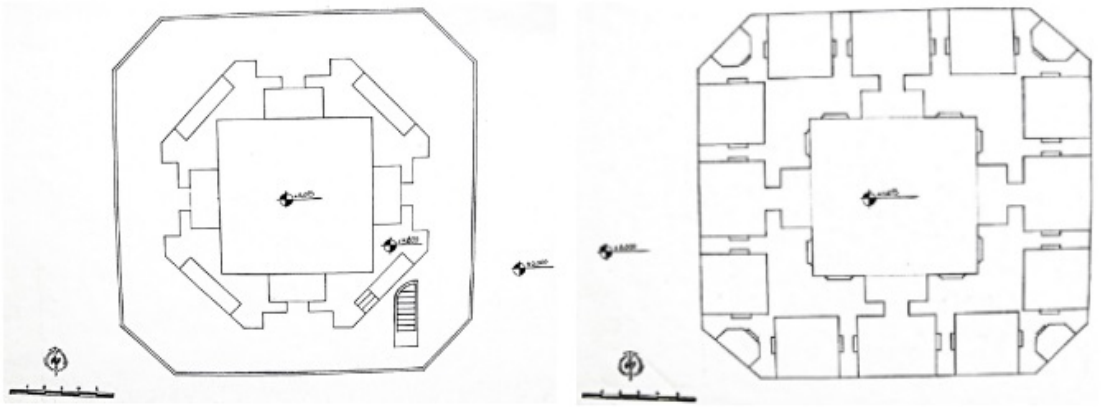
۱. همزمان با حکومت شاه‌عباس دوم صفوی بوده است.
۲. همزمان با حکومت شاه سلیمان صفوی بوده است.
۳. دوازدهمین سال از سال‌های دوازده‌گانهٔ تقویم ترکی، سال خوک (لغت‌نامهٔ دهخدا)

درواقع پلان بقعه از خارج به‌صورت هشت‌ضلعی نامنظمی متشکل از چهار ضلع بزرگ و چهار ضلع کوچک‌تر است (شکل ۵). تقارن در این بنا رعایت شده است؛ به‌طوری‌که طول همهٔ اضلاع اصلی آن ۱۳/۵۰ متر و طول اضلاع فرعی آن ۴ متر است. آرامگاه‌های هشت‌ضلعی به هشت درب بهشت تعبیر شده‌اند (پورصفر، ۱۳۸۶، ص. ۴۶). هیلن براند دربارهٔ تکامل مقابر آرامگاهی معتقد است که شاید دیرپاترین شکل مقبرهٔ آرامگاهی، انواع هشت‌ضلعی آن باشد (هیلن‌برند، ۱۳۶۶، ص. ۳۱-۳۲).

براساس شواهد و مدارک تاریخی و باستان‌شناسی می‌توان به روند تکاملی بناهای هشت‌ضلعی گنبددار از قرون اولیهٔ اسلام تا دورهٔ صفویه پی برد که دورهٔ رشد این نوع بناها به قرون میانی اسلام مربوط است. با توجه به شکل‌گیری و اوج عرفان و تصوف در دورهٔ صفوی به‌نظر می‌رسد که ایجاد آرامگاه‌های هشت‌ضلعی به‌منظور بزرگداشت عرفا و صوفیان، با توجه به اعتقادات این دوره منطقی باشد.



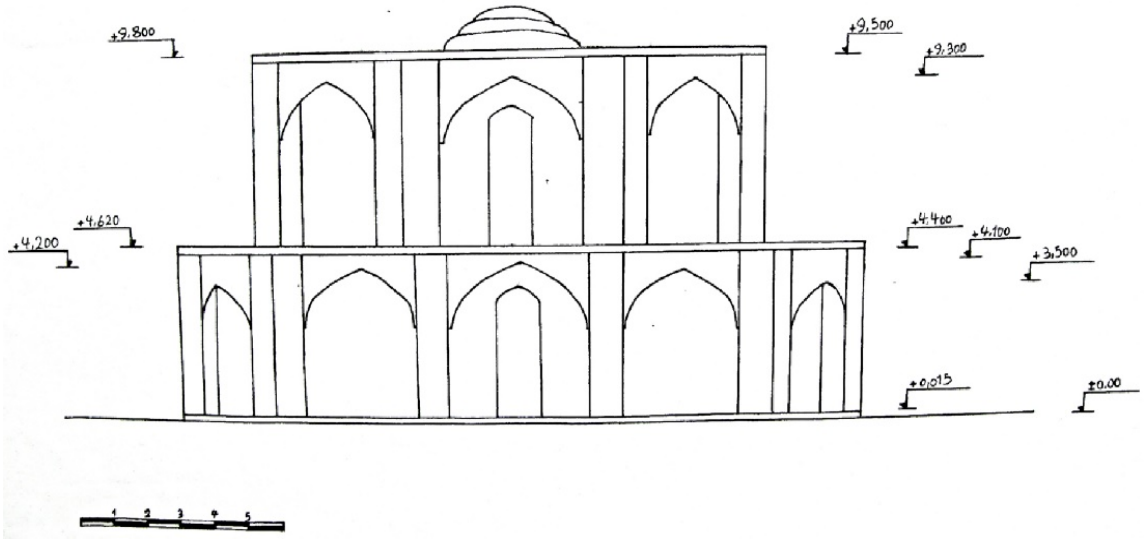
شکل ۴. پلان اصلی گورخانه
منبع: آرشیو میراث فرهنگی جیرفت



شکل ۵. پلان طبقهٔ همکف با گوشه‌های پخ، گورخانهٔ میرحیدر
منبع: آرشیو میراث فرهنگی جیرفت

در هریک از چهار ضلع اصلی بقعه، سه ایوان با طاق جناغی به چشم می‌خورد (شکل ۶) و اضلاع کوچک‌تر و فرعی بقعه نسبت به‌اندازهٔ خود، فقط یک ایوان را در خود جای داده‌اند (شکل ۷). در داخل هرکدام از ایوان‌های اصلی دو طاقچه و در ایوان‌های فرعی نیز یک طاقچه کم‌عرض وجود دارد. بالای این طاقچه‌ها نیز آجرها به‌صورت خفته چیده شده‌اند. ازارهٔ ۱ متری دیوار انتهای ایوان‌ها با قلوه‌سنگ و بالای آن نیز با آجر ساخته شده است. بر سطح دیوار ایوان‌ها، بقایای گچ‌اندود با ضخامت

۵ سانتیمتر مشاهده می‌شود. سقف ایوان‌ها با آجرهای قرمزرنگ مرمت شده و کف ایوان‌ها با آجرهایی به ابعاد ۲۰×۲۰ سانتی‌متر فرش شده است. در حال حاضر برخی از ایوان‌های گورخانه به محل دفن اموات منتسب به میرحیدر مهنی (طایفهٔ ابوسعیدی) تبدیل شده است؛ به‌طوری‌که در ضلع شرقی بقعه، شش قبر، در ضلع جنوب غربی، پنج قبر و در ضلع جنوب شرقی آن چهار قبر وجود دارد. همهٔ این قبور به نوادگان میرحیدر یا وابستگان آنها مربوط است (مصاحبهٔ حضوری، ابوسعیدی، ۱۳۹۴/۰۸/۰۵).



شکل ۶. برش عمودی شرقی گورخانه
منبع: آرشیو میراث فرهنگی جیرفت



شکل ۷. اضلاع کوچک‌تر گورخانه
منبع: نگارندگان

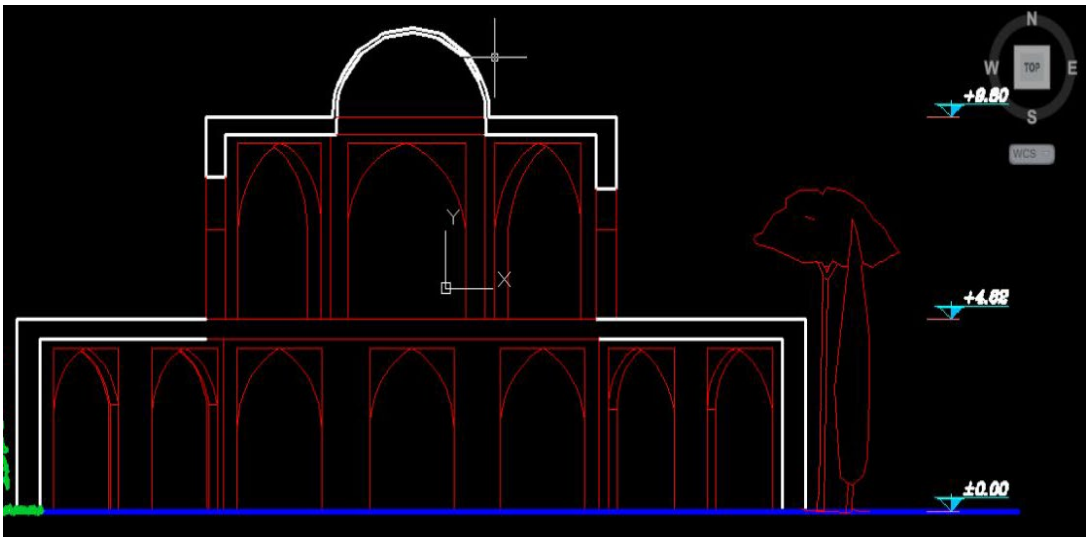
این بنا ۴ ورودی در ۴ جهت اصلی دارد که به‌دلیل اجرای طرح‌های مرمتی، همهٔ آنها به‌جز ورودی شرقی، با آجرچینی مشبک و طرح صلیبی‌شکل مسدود شده‌اند (شکل ۸). در معماری ۴ در و ۴ پنجره به ۴ جهت اصلی اشاره دارد (الیاده، ۱۳۷۵، ص. ۳۷). در گذشته بر بالای ورودی‌ها از بیرون گره چینی آجری و از داخل گره چینی چوبی بوده است که امروزه این قسمت‌ها یکپارچه آجری هستند (شکل‌های ۹ و ۱۰). در شکل ۱۱، برش عمودی شمالی گورخانه آمده است.



شکل ۸. ورودی شرقی گورخانه (منبع: نگارندگان)



شکل ۹. گورخانه از دید شمال (منبع: نگارندگان)



شکل ۱۰. برش عمودی شمالی گورخانه (طراح: فرزاد مجازی، ۱۳۹۶)

ویژگی‌های تزئینی

ابنیه و آرامگاه‌های مذهبی در دوره‌های مختلف اسلامی، همواره بستری مناسب برای ظهور استعداد و خلاقیت هنرمندان مسلمان بوده‌اند. در این میان، معماری و تزئینات وابسته به آن، به یکی از عمده‌ترین جلوه‌گاه‌های هنر اسلامی تبدیل شدند. در هر نقطه‌ای که مزار و مدفنی از بزرگان باقی بود، گنبد و بقعه‌ای احداث شد و به‌مرور سطوح داخل و بیرون آن با مواد و مصالح گوناگون و نقش‌های تزئینی مختلف آرایش شد. در این میان، دوران صفوی در زمینهٔ تحولات فرهنگی و هنری، از اعصار زرین و درخشان تمدن اسلامی به شمار می‌رود؛ به‌گونه‌ای که در این دورهٔ تاریخی، هنرهای گوناگون به‌قدری پیشرفت کرد که در کمتر دوره‌ای از تاریخ ایران مشاهده شد. از آنجا که مذهب شیعه در این دوره، مذهب رسمی کشور بود، معماری و تزئینات آرامگاه امامزادگان و عارفان نیز بسیار مدنظر قرار گرفت. در گورخانهٔ میرحیدر انواع نقوش هندسی مانند شمسه و ستاره و خطوط نسخ، نستعلیق با مضامین عرفانی استفاده شده است. فضای داخلی مقبره که به‌صورت چلیپایی است تا ارزهٔ ۱ متری با گچ قرمزرنگ پوشیده شده است. روی دیوارهای داخلی ایوان‌ها، اشعار و متونی با خط نسخ و نستعلیق نوشته شده که بیشتر آنها محو شده‌اند (شکل‌های ۱۲ تا ۱۴). مضمون این نوشته بی‌وفایی و گذر عمر کوتاه است (علیداد سلیمانی، ۱۳۸۵، ص. ۶۱). تاریخ این نوشته‌ها بین سال‌های ۱۰۰۲، ۱۰۱۲ و ۱۰۸۲ هجری قمری است (خوش‌رو، ۱۳۸۷، ص. ۱۶۷). از جمله یک بیت شعر که در ۹۰ سانتی‌متری پایین دیوار ضلع شمال غربی بقعه است:

سر از خاک بردار و ایروان ببین
که بی تو خراب است ایروان زمین

به گفته خوش‌رو، این شعر بر اخلاص قلبی و تجلیل مقام معنوی صاحب مزار دلالت دارد (خوشرو، ۱۳۸۷، ص. ۱۶۷). بر بالای این ارزهٔ ۱ متری در کنج هر دیوار یک طاق کلیل با ارتفاع ۲ متر کار شده است که درمجموع هشت طاق تزئینی کلیل بر دیوارهای بقعه دیده می‌شود. قسمت بالای این طاق‌ها که فضای انتقالی برای ایجاد گنبد است، از بیرون هشت ضلعی است و هشت طاق‌نما با طاق جناغی دارد. طاق‌نماهای اضلاع اصلی یک پنجرهٔ بزرگ دارند و روشنایی داخل مقبره به‌کمک این پنجره‌ها تأمین می‌شود (شکل ۱۲).



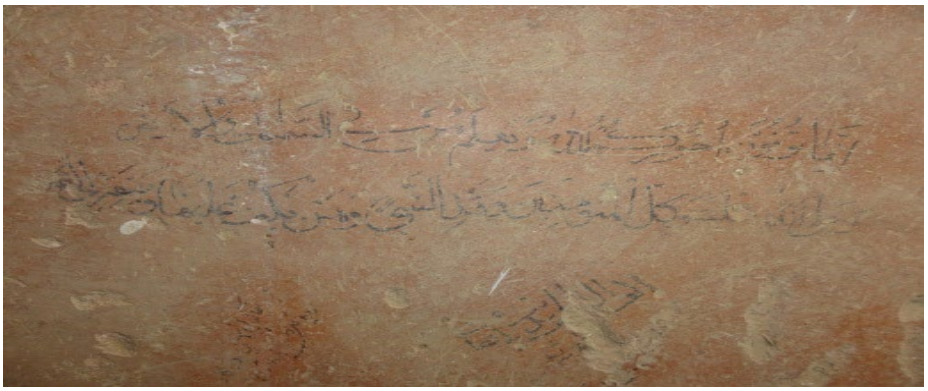
شکل ۱۲. دیوار شمالی گورخانه از داخل
منبع: نگارندگان

سقف بقعه روی این قسمت قرار دارد و وجود این هشت طاق‌نما در زیر سقف گنبد تشکیل یک ستارهٔ هشت پر را داده است. همچنین این اضلاع از بیرون نیز یک طاق تزئینی جناغی دارند. قسمت داخلی ورودی‌های دیوار شمالی و جنوبی بقعه با تزئین خطوط به‌صورت موجی و ورودی‌های شرقی و غربی نیز با نقوش شمس و ستاره تزئین شده‌اند. قسمت درونی مقبره به‌جز ارزهٔ ۱ متری پایین با گچ سفید پوشیده شده و زیر گنبد تزئیناتی به‌صورت شمس و ستاره با نقاشی قرمزرنگ به چشم می‌خورد (شکل ۱۳)

داخل بقعه و زیر گنبد بنا، سه قبر مستطیل‌شکل از جنس سنگ مرمر دیده می‌شود. در سطوح جانبی و بالای یکی از سنگ‌ها، آیاتی از قرآن با خط نسخ و دو گل شش‌پر با دایره‌ای در انتهای آنها حک شده است. یکی از سنگ‌ها پرکارتر بوده و همهٔ سنگ و عطف سنگ را کتیبه‌هایی با مضمون آیات قرآنی هویت متوفی و تاریخ وفات دربرمی‌گیرد (علیداد سلیمانی، ۱۳۸۵، ص. ۶۱). همچنین مقبره دارای سنگ مرمر باارزشی با حجاری و خط زیبا بوده است که متأسفانه غارت شده و اثری از آن نیست (صفا، ۱۳۹۰: ۲۴۸).



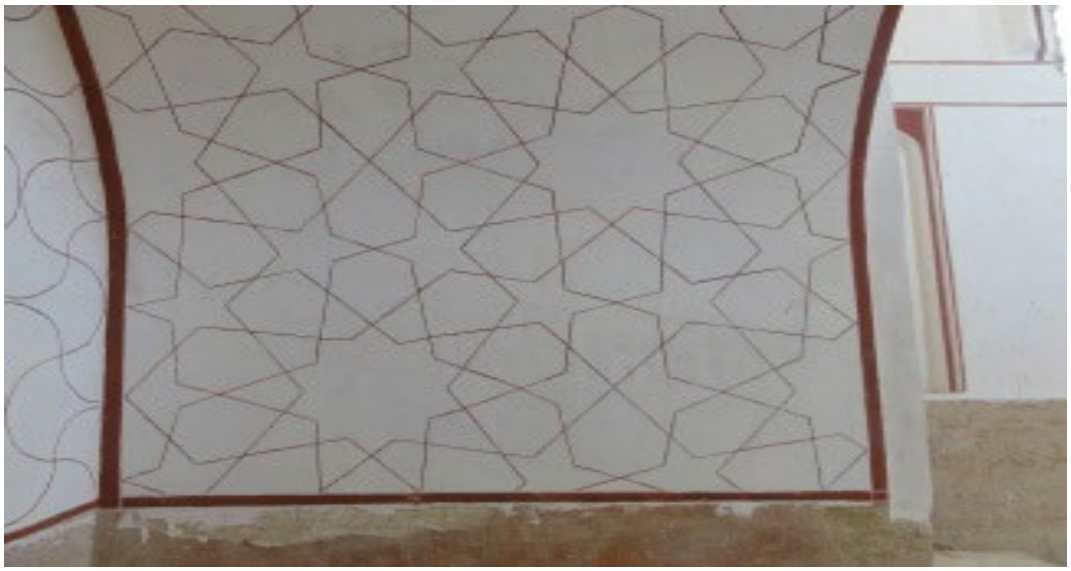
شکل ۱۳. دیوار شرقی، نمای داخلی گورخانه
منبع: نگارندگان



شکل ۱۴. نمونه‌های از دست‌نوشته‌های داخل مقبره
منبع: نگارندگان

در ایوان مرکزی ضلع جنوبی مقبره از بیرون یک رشته پلکان با ۱۲ پله مشاهده می‌شود که به طبقهٔ دوم راه دارد. برای جلوگیری از ورود و عبور و مرور زیاد افراد به این طبقه، یک درب فلزی گذاشته شده است. دورتادور سقف طبقهٔ دوم، جان‌پناه ۵۰ سانتی‌متری است. این طبقه از بیرون به‌صورت هشت‌ضلعی است و ایوان‌های بلندی با طاق جناغی دارد که سقف ایوان‌ها با آجرهای قرمزرنگ مرمت شده است. از طریق یک رشته پلکان (با ۱۲ پله) در جنوب شرقی این طبقه می‌توان به بالاترین بخش گورخانه و بام رسید که گنبدی دوپوسته روی آن بنا شده است. (خوش‌رو، ۱۳۸۷، ص. ۱۶۷). قطر گنبد ۲۷ متر و فاصلهٔ آن تا جان‌پناه‌های ۵۰ سانتی‌متری ۲/۵۰ متر است. جان‌پناه‌ها در طبقهٔ دوم و بام بنا به تبعیت از طرح هشت‌ضلعی بنا به شکل هشت‌ضلعی هستند که طول هر ضلع جان‌پناها ۵/۵۰ متر و عرض آنها ۲۰ سانتی‌متر است. در تمام کلاف‌بندی دیوارهای بنا از چوب «اورس» استفاده شده که درخت بومی منطقه است (صفا، ۱۳۹۰، ص. ۲۰۴). داخل گورخانه تزئیناتی وجود دارد که بسیار مهم هستند. این تزئینات عبارت‌اند از:

الف) دست‌نوشته‌هایی به خط نسخ و نستعلیق (شکل ۱۴).
ب) نقوش هندسی (گره چینی) شامل:
۱. نقش ستارهٔ پنج‌پر با خطوط موجی در اطراف آن
۲. شمسهٔ کامل و ستاره (شکل ۱۵)؛
ج) وجود دوازده طاق کلیل با ابعاد ۱۲۵×۲ سانتی‌متر؛
د) استفاده از رنگ قرمز در تلفیق با گچ‌بری



شکل ۱۵. تزئینات شمسه و ستارۀ به‌کاررفته در مقبره
منبع: نگارندگان

مصالح معماری

مصالح بنا را خشت، آجر و قلوه‌سنگ‌های رودخانه‌ای تشکیل می‌دهد. مصالح کاربردی مورد استفاده در گورخانه آجر است که از اصلی‌ترین مصالح بومی منطقه محسوب می‌شود. آجر به موازات سنگ در ساخت بنا استفاده شده و به‌عنوان جزئی از مصالح تزئینی است و در ترکیب با سایر مواد و مصالح بخش فراوانی از تزئینات را شکل داده است. باید توجه داشت که آجر به‌طور غالب در این‌گونه تزئینات نقش بستر، تکیه‌گاه یا عنصر شکل‌دهندۀ ساختار را دارد. در نمای داخلی بنا علاوه بر آجر، از گچ استفاده شده است. دیوارهای داخلی گورخانه با گچ‌بری سفید و ازارۀ آنها با گچ قرمزرنگ اندود شده‌اند. از رنگ قرمز برای تزئینات هندسی (نقوش ستاره و موجی‌شکل داخل ایوان‌ها و اشکال نواری در طاق‌های کلیل) و کادربندی دیوارها استفاده شده است.

مقایسۀ ساختار معماری گورخانۀ میرحیدر اسفندقه با بناهای آرامگاهی

از نمونه‌های قابل‌قیاس با گورخانۀ میرحیدر از نظر ساختار معماری، پلان و طرح می‌توان به بناهای آرامگاهی دورۀ سلجوقی در استان کرمان مانند مقابر کشیت و نسک در گلباف و همچنین مقابر هم‌دوره مانند مقبرۀ آخوند کوهبنانی در کوهبنان، مقبرۀ ملاحسن کاشی در سلطانیۀ زنجان و مقبرۀ فارفان در اصفهان (دورۀ ایلخانی) اشاره کرد.

مقبرۀ کشیت و نسک

آرامگاه‌های هشت ضلعی کشیت و نسک (شکل ۱۶ و ۱۷) در بافت قدیمی روستای کشیت گلباف قرار دارند. این آرامگاه‌ها در میان قبرستان قدیمی روستا واقع شده‌اند و مصالح استفاده‌شده در آنها، آجر همراه با ملاط گل است. قطر مرکزی این دو بنا بین ۶ تا ۷ متر، ارتفاع آنها از کف تا سقف حدود ۷/۵ متر و عرض ورودی‌ها حدود ۱ متر است. ورودی‌های بنا نیز به فرم طاق‌های قوسی هستند که در مرکز به شکل هشتی درآمده‌اند. این آرامگاه‌ها تزئینات مشخص معماری ندارند یا اگر تزئیناتی داشته‌اند بر اثر فرسایش از بین رفته‌اند (زارعی و دیگران، ۱۳۹۴، ص. ۱۲۵).

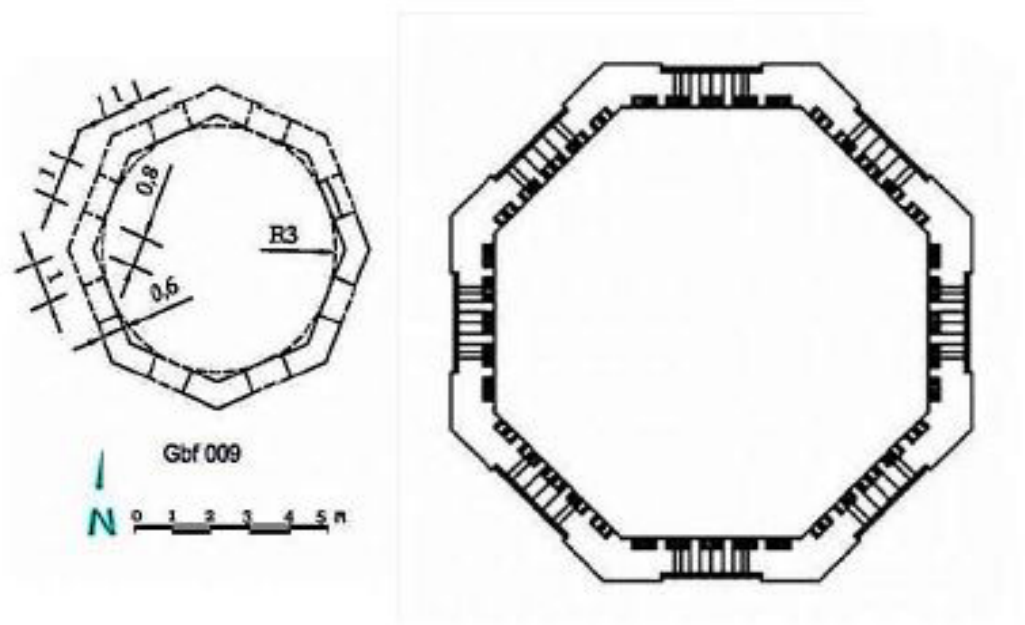
مقبرۀ آخوند

مقبرۀ آخوند یا علی‌شاه معروف به محمد شهید کوهبنانی در کوهبنان[۴] واقع شده است (شکل ۱۸). یک بنای آجری گنبددار کثیرالاضلاع که جبهۀ خارجی آن طاق‌نماهای مضاعف و ۹ دهانه

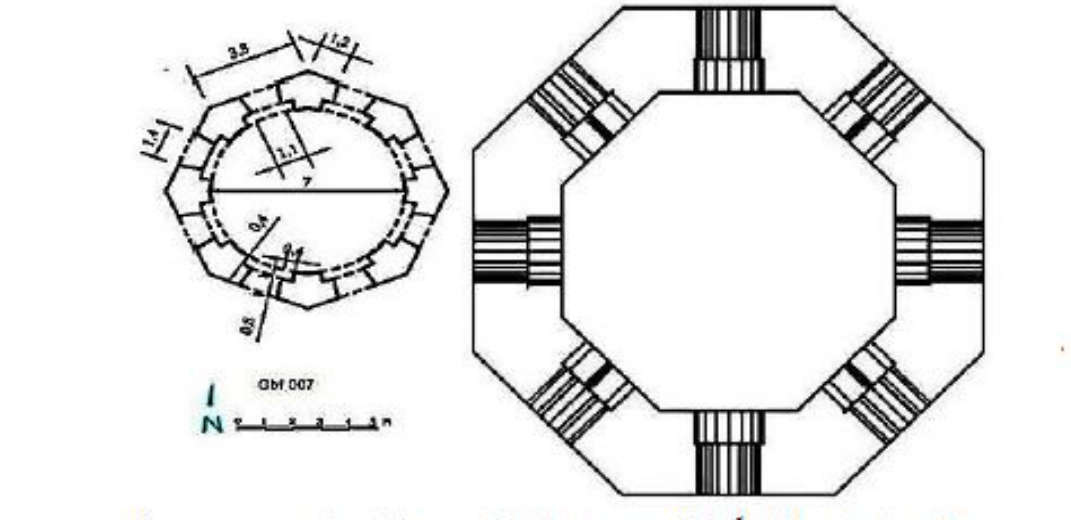
[۴]. شهرستان کوهبنان در ۱۶۰ کیلومتری شمال غرب استان کرمان واقع شده و دارای طول جغرافیایی (۵۶ و ۱۷) شرقی و عرض جغرافیایی (۳۱ و ۲۴) شمالی است. ارتفاع آن از سطح دریا نیز ۱۹۴۵ متر است (شکل۱۸). این شهرستان از شمال به شهرستان بافق، از جنوب به شهرستان زرند، از مشرق به شهرستان راور و بهاباد و از مغرب به نوق رفسنجان و زرند محدود است. فاصلۀ این شهرستان تا بخش اسفندقۀ شهرستان جیرفت حدود ۴۰۰ کیلومترمربع است.

ایوان است. این بنا به دورهٔ صفویه تعلق دارد. مدخل آرامگاه در قسمت جنوب ساختمان است که با دو شاه‌نشین و با چهارده پلکان به محوطهٔ فوقانی و طبقهٔ دوم منتهی می‌شود و به‌کمک راه‌پلهٔ مارپیچی‌شکل به گنبد می‌رسد (شکل ۱۹). در زیر گنبد قبری وجود دارد که دو سنگ روی آن (قدیمی و جدید) نصب شده است.

این سنگ قبر از جنس مرمر به طول ۲ و عرض ۱ متر قرار دارد (شکل ۲۰) که روی قبر آن اشعاری حک شده است (معصومی، ۱۳۸۹، ص. ۲۹۸). این بنا به شمارهٔ ۵۲۸ در سال ۱۳۴۵ به ثبت آثار تاریخی رسیده است.



شکل ۱۶. پلان آرامگاه نسک
طرح از منصور نجفی



شکل ۱۷. پلان آرامگاه کشیت
طرح از منصور نجفی

در محدودهٔ جغرافیایی استان کرمان، گورخانهٔ میرحیدر از نظر ساختار معماری و مصالح استفاده‌شده شباهت زیادی به مقبرهٔ آخوند کوهبنانی دارد. هر دو بنا که در میان باغی واقع شده‌اند متعلق به دورهٔ صفویه هستند. از دیگر وجوه تشابه این دو بنا می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

هر دو بنا دارای چهار در ورودی در چهار جهت هستند. در مقبرهٔ میرحیدر به‌دلیل مساحت بیشتر در هر ضلع سه ایوان ساخته شده است که درمجموع دوازده ایوان دورتادور بنا با طاق‌های جناغی قرار دارند، اما در مقبرهٔ کوهبنانی به‌دلیل کشیدگی بنا و مساحت کمتر، درمجموع ۹ ایوان وجود دارد. اصل تقارن در هر دو بنا رعایت شده است. این مکان دو طبقه دارد؛ با این تفاوت که در طبقهٔ دوم مقبرهٔ آخوند کوهبنانی طاق‌نماها کم‌عرض هستند. هر دو به‌وسیلهٔ پلکان مارپیچی به طبقهٔ دوم راه دارند. درون هر دو بنا دو سنگ قبر مرمرینی قرار گرفته و در ساخت بناهای مذکور از مصالح بوم‌آورد استفاده شده است. آجر نیز یکی از مصالح اصلی در ساخت آنها محسوب می‌شود.

آرامگاه ملاحسن کاشی

بقعهٔ ملاحسن کاشی در حدود ۲/۵ کیلومتری مغرب سلطانیه قرار دارد (شکل ۲۱) که مدفن یکی از علمای حکمت الهی است که به قولی در دورهٔ ایلخانی و به قول دیگر در دورهٔ صفوی زندگی می‌کرده است. بنای مقبره در اصل در وسط حیاطی قرار داشته و با دیواری محصور می‌شده که بقایای دیوار و تأسیسات ورودی آن باقی مانده است. بنای مقبره از بیرون هشت‌ضلعی و از داخل مربع است. طول اضلاع هشت‌ضلعی ۸/۳۰ و طول اضلاع فرعی ۵/۷۵ متر است. اضلاع بزرگ دارای ایوان‌های وسیع هستندکه از طریق راه‌پله‌هایی به غرفه‌های طبقه دوم دست پیدا می‌کنند. ایوان‌ها و غرفه‌ها به‌کمک دهلیزی به یکدیگر مرتبط هستند. فضای داخلی مقبره که از طریق سه ایوان می‌توان به آن دسترسی پیدا کرد، به شکل مربعی با طول ۶ متر است. بر بدنهٔ دیوار این اتاق، طاقچه‌هایی بر طرفین درگاه تعبیه شده که شاید محل گذاشتن چراغ بوده است. در ضلع رو به قبله، جای محراب کاملاً از بین رفته و درگاهی مشاهده می‌شود. در شکل ۲۳، بخش فوقانی آن به‌کمک فیل‌پوش‌هایی به دایره تبدیل شده و گنبد خوش‌تراش مقبره بر آن سوار شده است (عقابی، ۱۳۷۶، ص. ۱۰۰) (شکل ۲۲ و ۲۳).



شکل ۱۸. تصویر ماهواره‌ای مقبرهٔ آخوند کوهبنانی

منبع: Google Earth



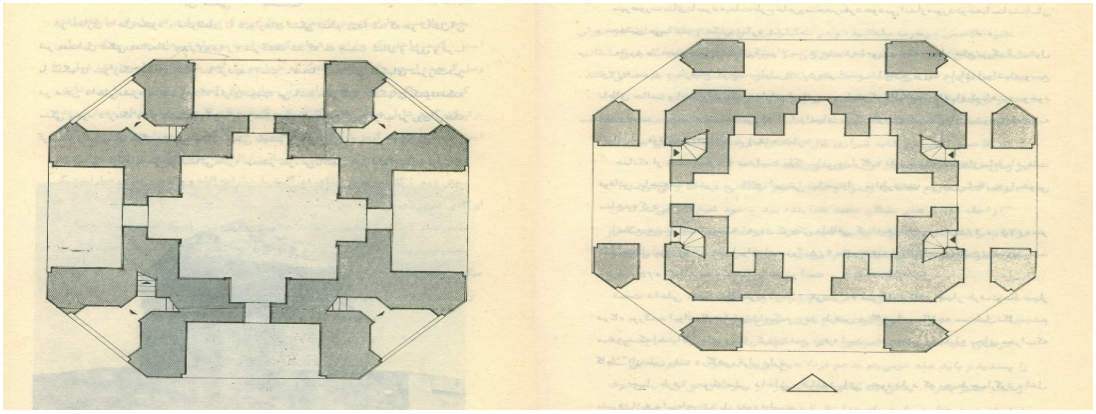
شکل ۱۹. درب جبههٔ جنوبی مقبرهٔ آخوند کوهبنانی
منبع: نگارندگان



شکل ۲۰. نمای داخلی مقبرهٔ آخوند کوهبنانی
منبع: https . gashtool.com

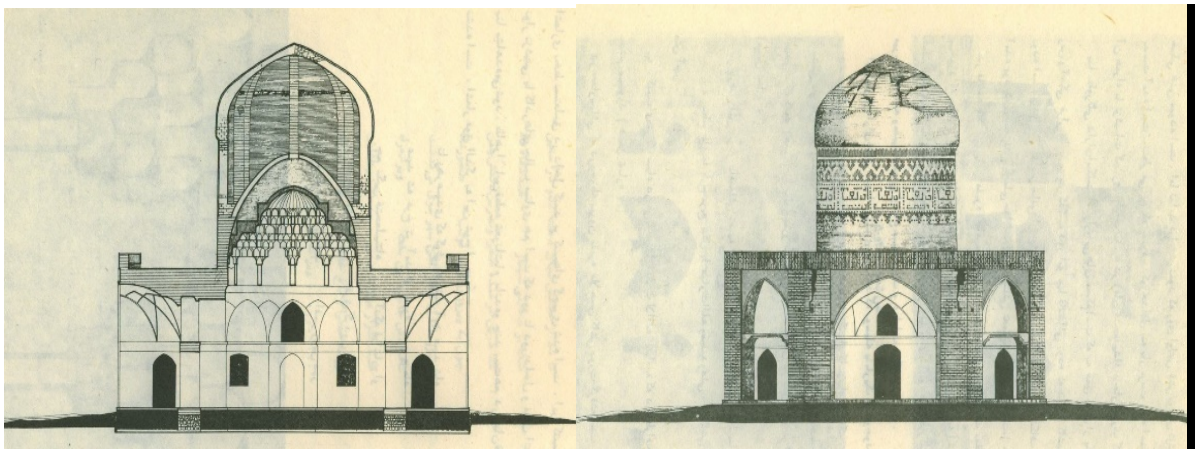


شکل ۲۱. تصویر ماهواره‌ای مقبرهٔ ملاحسن کاشی
منبع: Google Earth



شکل ۲۲. پلان آرامگاه ملاحسن کاشی

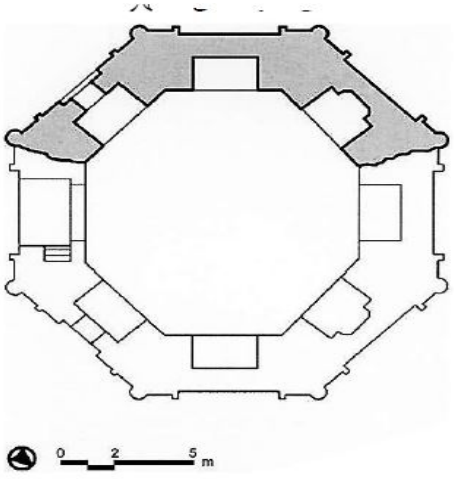
منبع: عقابی،۱۳۷۶



شکل ۲۳. برش عمودی و نمای مقبرهٔ ملاحسن کاشی
منبع: عقابی، ۱۳۷۶

آرامگاه فارفان روئی‌دشت اصفهان

یکی دیگر از نمونه‌های مشابه مقبرهٔ میرحیدر اسفندقه، مقبرهٔ فارفان اصفهان (در منطقهٔ روئی‌دشت در زاینده‌رود) مربوط به دورهٔ ایلخانی است. مقبرهٔ هشت‌ضلعی فارفان (شکل ۲۴) که در شمال شهرستان فارفان واقع شده، بخش‌های اندکی از دیواره‌های جنوبی و جنوب غربی آن بر جای مانده و به‌زعم مردم محلی تا چند دهه پیش پابرجا بوده است (شکل ۲۵). این مقبرهٔ هشت‌ضلعی به ارتفاع ۶ متر و به قطر ۳/۹۵ متر ساخته شده و نمای داخلی آن به طاق‌نماهای دورهٔ ایلخانی شبیه است (زارعی و دیگران، ۱۳۹۴، ۱۲۹). درمجموع گورخانهٔ میرحیدر از نظر پلان شباهت زیادی به آرامگاه‌هایی مانند کشیت و نسک در گلباف کرمان، فارفان روئی‌دشت اصفهان، مقبرهٔ آخوند کوهبنانی و ملاحسن کاشی سلطانیه دارد (جدول ۱).

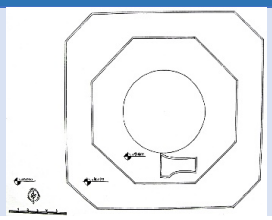
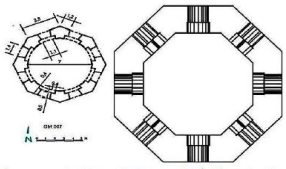
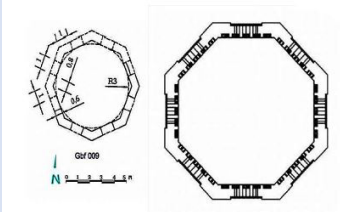
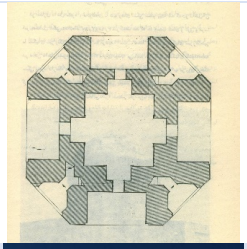
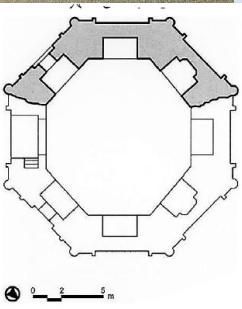


شکل ۲۴. نمایی از مقبره فارفان در روئی‌دشت اصفهان
منبع: عکس از صالحی کاخکی



شکل ۲۵. پلان مقبرهٔ فارفان
منبع: عکس از صالحی کاخکی

جدول ۱. پلان بناهای مشابه با گورخانهٔ میرحیدر

نام اثر	موقعیت جغرافیایی	دوره	تصویر
گورخانه میرحیدر	اسفندقه جیرفت	صفوی	
آرامگاه کشیت	گلباف کرمان	سلجوقی	
آرامگاه نسک	گلباف کرمان	سلجوقی	
ملاحسن کاشی	سلطانیهٔ زنجان	صفوی	
آخوند کوهبنانی	کوهبنان کرمان	صفوی	
فارفان	روئی‌دشت اصفهان	ایلخانی	

تحلیل ساختار و عناصر معماری گورخانهٔ میرحیدر

انسان همواره در طول تاریخ سعی کرده است تا به‌منظور ایجاد بناهای معماری، آنها را با محیط پیرامون خود هماهنگ کند؛ درحقیقت شرایط جغرافیایی، اقلیمی و فرهنگی در شکل‌گیری ساختار معماری نقش مهمی دارد. در بررسی و تحلیل عناصر معماری گورخانهٔ میرحیدر عوامل زیر نقش دارند.

الف) اندیشهٔ ساخت و انتخاب محل

در گذشتهٔ دور آنچه در ابتدای ورودی هر شهر جلب‌توجه می‌کرد، نوک مخروطی یا گنبدی‌شکل مقابر بود که بر مکان‌های مرتفع و بلند مشرف به شهر یا درون باغ ساخته شده بودند. باید توجه داشت که انتخاب مکان برای ساخت بنا به‌منظور بهتر نشان‌دادن شکوه و عظمت این‌گونه بناها نشان‌دهندهٔ ذوق معماران است. در این میان، انتخاب محل برای تدفین اهمیت بسیاری دارد؛ زیرا مکان‌های انتخاب‌شده مقدس هستند و ارتباط با آسمان و الوهیت بهتر انجام می‌شود؛ درواقع این‌گونه مکان‌ها را انسان انتخاب نمی‌کند، بلکه آنها را به‌شکلی خاص کشف می‌کند (نصرتی، ۱۳۷۷، ص. ۳۸). در عهد صفوی سپاسگزاری از انسان‌های وارسته و عارف در میان مردم امری قطعی بود. همچنین اعتبار و ارزش معنوی اولیاءالله به معنای دوستان خدا به‌عنوان وسیله و ابزاری برای رسیدن فیض خدا و درخواست و برکت عامل دیگری بوده است که روند ساخت مقابر را در این زمان دچار تحول کرده است. همچنین سبب شده تا ساخت مقابر عارفان در این زمان رونق بگیرد. طرح‌های هشت‌ضلعی این دوره ادامهٔ ساخت مقابر چهارضلعی دورهٔ قبل به‌منظور دستیابی به فضای مناسب‌تر است (کارگر، ۱۳۷۲، ص. ۱۰۸). گورخانهٔ اسفندقه به‌منظور تکریم مقام نوادهٔ ابوسعید ابوالخیر میرحیدر مهنی ساخته شده و نمادی برای گسترش تصوف و تشیع و احترام به مقام عارفان در دورهٔ صفوی بوده است.

ب) مذهب

در تقسیم‌بندی کلی می‌توان آرامگاه‌ها را به دو دستهٔ مذهبی و سیاسی تقسیم کرد. آرامگاه‌های که برای امامان و امامزادگان و دیگر شخصیت‌های مهم شیعه برپا می‌شد، از جمله دستهٔ مذهبی است، اما آرامگاه‌های شاهان و سلاطین را می‌توان سیاسی محسوب کرد. در این دوره، ساخت آرامگاه مختص شاهان به‌صورت مجزا کمتر اهمیت داشته است. در عهد صفویه، مذهب تشیع رسمیت یافت و همین عامل سبب شد تا مقام رسمی و دولتی در اختیار مبلغان و بزرگان دینی قرار بگیرد تا به گسترش تشیع کمک کند. وضعیت اجتماعی عصر صفوی، اهمیت مذهب تشیع در این عصر و ترویج آن در مناطق مختلف، به‌دلیل وجود افراد مذهبی و شخصیت‌های سیاسی و دینی مطمئن، مانند میرحیدر مهنی موجب شده است که پس از مرگ آنها مقابری با معماری مشخص و پلان هشت‌ضلعی برای بزرگداشت آنها ساخته شود. همچنین ثروت و رفاه دولت صفوی سبب ایجاد چنین بنایی در دشت اسفندقه شده است. ترکیب ساخت و شکوه یک بنای تدفینی نمایانگر مقام و موقعیت اجتماعی و سیاسی صاحب آن به شمار می‌رفت. هدف نمادهای مختلف در معماری تدفینی ایران، بیشتر از اینکه ابزار میل و علاقه به وفاداری باشد، تأکید بر یادآوری جایگاه متوفی و بهشت است (زارعی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲۴).

ج) اقلیم

یکی از عوامل اصلی شکل‌گیری معماری ایرانی، اقلیم است. معماری بقعهٔ میرحیدر نیز هماهنگ با اقلیم منطقه ایجاد شده است. آجر از مهم‌ترین مصالح ساختمانی در ایران، قبل و بعد از اسلام است که از عناصر ساختاری کاربردی در این بناست. علاوه بر آجر از سنگ برای ازارهٔ دیوار بیرونی بنا و از گچ نیز برای تزئین استفاده شده است. سهولت کاربرد آجر که مقاوم بوده از دلایل فنی استفاده از آن است. آجرهای استفاده‌شده در این بنا مستطیل شکل هستند. این‌گونه مصالح به‌دلیل مقاوم‌بودن و جلوگیری از نفوذ حرارت و تابش طولانی نور خورشید در فصل تابستان کاربرد داشته است. شکل معماری و ساختار گورخانهٔ میرحیدر تنها تحت تأثیر عوامل اقلیمی نیست، بلکه شبکه‌ای منسجم از عواملی مانند عوامل جغرافیایی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بر شکل معماری گورخانه تأثیر گذاشته‌اند.

د) پلان

گورخانهٔ میرحیدر مهنی بنایی منفرد و از نوع ابنیهٔ آرامگاهی است که در میان باغی مصفا واقع شده و در این منطقه به گورخانهٔ میرحیدر شهرت دارد. این بنا از نظر طرح و پلان به آرامگاه‌های کشیت، نسک، فارفان، ملاحسن کاشی و مقبرهٔ آخوند کوهبنانی شباهت دارد. نقشهٔ اصلی بنا، از دو

طبقه به‌صورت هشت‌ضلعی و یک گنبد روی آن تشکیل شده است. نقشهٔ بنا معروف به مثمن بغدادی است. نقشه‌ای مربع‌شکل با گوشه‌های پخ یا هشت‌گوشهٔ نامنظم که در متون، «مثمن بغدادی» نامیده شده است؛ درواقع پلان بقعه از خارج به‌صورت هشت‌ضلعی نامنظمی متشکل از چهار ضلع بزرگ و چهار ضلع کوچک‌تر است که این نوع پلان به پلان مرکزی معروف است.

درواقع پلان مرکزی از شیوهٔ مقبره‌سازی ایلخانی گرفته شده است. این طرح به این دلیل مقبولیت داشت که بهترین وجه نیازمندی‌های یک کانون متمرکز را که معمولاً یک صندوقهٔ قبر فراهم کرده بود برآورده می‌کرد در واقع پلان مرکزی حداکثر فضا را برای طواف بیشتر و سایر کارهای معماری ایجاد می‌کرد؛ برخلاف طرح‌های چهارگوش که قرارگرفتن آن در گوشه فضا را از بین برده و بستر کارهای تزئینی فراهم شده است (کارگر، ۱۳۷۲، ص. ۱۲۹).

آرامگاه‌ها درواقع نشانهٔ تجلی قداست هستند. این مکان‌ها برای انسان سنتی، با تدفین اشخاص مقدس متبرک شده است و آدمی با حضور در این مکان‌ها از آرامش و آسایش روحی بهره‌مند می‌شود در این‌گونه مکان‌ها معمولاً درختی کهن‌سال و نهر آب که هر دو از نمادهای باستانی هستند دیده می‌شود. آدمی با حضور در این مکان و استراحت زیر سایهٔ درخت و کنار نهر آب از لذت و آرامش روحی برخوردار می‌شود. آب و درخت در آنجا می‌تواند نمادی از بهشت باشد. این حالت نمادین را می‌توان در نقشه‌های هشت‌ضلعی، دایره و مربع در مقابر دید. عدد هشت عددی سمبلیک مانند هشت بهشت و کنایه از عرش الهی و عالم فرشتگان است که براساس احادیث، هشت ملک آن را حمل می‌کنند (نصرتی، ۱۳۷۷، ص. ۳۷). سقف گورخانهٔ میرحیدر به فرم دایره است. دایره نمادی آشکار از وحدت است که همهٔ اشکال ممکن هستی را دربرمی‌گیرد. همه‌چیز از دایره نشئت می‌گیرد و سرانجام بدان بازمی‌گردد. در بیشتر تمدن‌ها ابدیت به شکل چرخ تصویر می‌شود و کانونش مبدئی است که همه‌چیز از آن آغاز و بدان بازمی‌گردد. شکل مدور بیانگر وحدت و کمال و نماد آسمان و قداست است (نصرتی، ۱۳۷۷، ص. ۳۷).

بحث و نتیجه‌گیری

در جوامع نخستین اسلامی احداث یادبود بر محل دفن رایج نبود و هدف این بود حیات انسانی بر خاک به‌سادگی پایان بخشد. در ایران به دلایل گرایش شیعه و ساخت بناهای آرامگاهی به‌تدریج از قرن چهارم رونق گرفت و در دوره صفویه این‌گونه بناها به دلایل مذهبی و سیاسی به‌عنوان نماد مذهبی تشیع شناخته می‌شوند و توجه شیعیان به این مکان‌ها ضامن بقای آنها شد. ساخت آرامگاه‌های مذهبی، ارتباط مستقیمی با گسترش مذهب و اعتبار و احترام صاحب مدفن و تقدس و احترام وی داشته، بدین معنا که با گسترش مذهب و اعتبار و احترام صاحب مدفن همراه بوده بر حجم و ارزش هنری و معماری بنای ساخته شده نیز افزوده می‌شده است. تبلیغ تشیع و سپاسگزاری از انسان‌های وارسته در عهد صفوی باعث شده تا عارفان حتی بعد از مرگ مورد احترام واقع شوند و به همین منظور جهت گرامیداشت یاد آنها و ادای احترام به مقام شامخ آنها، آرامگاهی بر فراز قبر آنها بنا می‌شد. گورخانه میرحیدر یکی از این بناهاست که بصورت منفرد در میان باغی مصفا در عهد صفوی در منطقه اسفندقه جیرفت بنا شده است. نقشه آن بصورت هشت ضلعی است که به پلان مرکزی معروف است و از شیوه مقبره‌سازی ایلخانی گرفته شده و این طرح درواقع بهترین کانون متمرکز جهت توجه به قبر و انجام مراسم طواف فراهم می‌کند. از نظر پلان این بنا شباهت‌های زیادی به مقابری نظیر، کشیت و نسک در گلباف کرمان، فارفان روئی‌دشت اصفهان، مقبره آخوند کوهبنانی، ملأ حسن کاشی سلطانیه دارد. بر اساس اسناد و مدارک تاریخی بناهای هشت‌ضلعی از صدر اسلام تا دوره صفویه روند تکامل خود را طی کرده‌اند. با توجه به شکل‌گیری و اوج عرفان و تصوف در دوره صفویه آرامگاه‌های هشت‌ضلعی جهت بزرگداشت عرفا و صوفیان ساخته می‌شد، که این هشت ضلع به هشت درب بهشت اشاره داشته است. درواقع ساختار معماری و پلان گورخانه میرحیدر و دیگر مقابر ذکرشده از عقاید مذکور تأثیر پذیرفته است. این بناها، از نظر معماری هماهنگ با اقلیم هستند و برای ساختن آنها از مصالح نظیر سنگ، آجر، چوب استفاده شده است. آجر به‌عنوان اصلی‌ترین مصالح معماری در ساخت این بناها مورد استفاده قرار گرفته است. سهولت کاربرد آجر، مقاوم بودن آن در مقابل آسیب، می‌توان از دلایل فنی استفاده آجر در بنا دانست. گورخانه میرحیدر، علاوه بر آجر از سنگ برای دیوار بنا و از گچ نیز برای تزئین استفاده شده است. این‌گونه مصالح به دلیل مقاوم بودن و جلوگیری از نفوذ حرارت و تابش طولانی نور خورشید در فصل تابستان کاربرد داشته است.

سپاسگزاری

از همکاری احمد ابوسعیدی، محجوبه امیرانی‌پور و فریده مقبلی که نگارندگان را تا اتمام مقاله یاری رساندند صمیمانه سپاسگزاریم.

از استاد ارزشمند جناب اقای دکتر احمد صالحی کاخکی برای در اختیار قرار دادن تصویر و پلان مقبره فارفان کمال سپاسگزاری را داریم.

منابع مالی

منابع مالی این مطالعه توسط نویسندگان تهیه شده است.

تعارض منافع

بین نویسندگان هیچ‌گونه تعارضی در منافع وجود ندارد.

References

ابراهیمی، اصغر؛ ابراهیمی‌پور، فاطمه. (۱۳۹۶). جغرافیای طبیعی اسفندقه، کرمان: مرکز کرمان‌شناسی.

الیاده، میرچا. (۱۳۷۵). *مقدس و نامقدس*. ترجمهٔ نصرالله زنگویی. تهران: انتشارات سروش.

پورصفر، شهرزاد. (۱۳۸۶). *بررسی تزئینات مقبرهٔ خواجه اتابک کرمان*. با مقدمهٔ دکتر محمد خزائی، چاپ اول. کرمان: انتشارات مرکز کرمان‌شناسی.

پیرحیاتی، مهدی، عبدالله، نصراللهی و ابوذر، هادی (بی‌تا). با نگاهی ویژه به معماری و تزئینات بنای امامزاده خدیجه‌خاتون (س)،شهر قم، ص ۱-۱۹.

خوش‌رو، فاطمه (۱۳۸۷). *آثار تاریخی کرمان*. کرمان: انتشارات ودیعت.

رفعتی، حسین (۱۳۸۶). *جیرفت در آیینهٔ تاریخ. کرمان*: مرکز کرمان‌شناسی.

زارعی، محمدابراهیم، یدالله، حیدری باباکمال و منتظر ظهوری، مجید (۱۳۹۴). تأملی در باب هویت دو آرامگاه هشت‌ضلعی گنبددار کشیت و نسک؛ بخش گلباف کرمان. فصلنامهٔ پژوهش‌های معماری اسلامی، ۸ (۳)، ۱۳۴-۱۲۱.

ضیاءشهابی، شهریار (۱۳۸۱). *اعلام جغرافیایی کرمان به استناد معجم‌البلدان یاقوت حموی*. کرمان: مرکز کرمان‌شناسی.

عقابی، محمدمهدی،(۱۳۷۶). دایره‌المعارف بناهای تاریخی در دورهٔ اسلامی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.

علیداد سلیمانی، نادر (۱۳۸۵). *گزارش بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان جیرفت-دشت اسفندقه*. ادارهٔ کل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان کرمان.

کارگر، محمدرضا (۱۳۷۲). *مقابر اسلامی و پایگاه فرهنگی آن در شمال غرب ایران: آذربایجان*. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد. گروه باستان‌شناسی. دانشکدهٔ ادبیات. دانشگاه تربیت مدرس.

کریمی، فاطمه؛ افتخار،فریبا، (بی‌تا)، *دانشنامهٔ بزرگ اسلامی*، جلد ۱۴، مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.

کیانی، محمدیوسف (۱۳۷۹). *معماری ایران (دورهٔ اسلامی). تهران*: انتشارات سمت.

معصومی، غلامرضا (۱۳۸۹). *تاریخچهٔ علم باستان‌شناسی*. تهران: انتشارات سمت.

نصرتی، مسعود (۱۳۷۷). هنر قدسی در مقابر برجی. کیهان فرهنگی، (۱۴۵)، ۴۰-۳۸.

هیلن‌برند، روبرت، (۱۳۶۶)، *مقابر در معماری ایران دوره اسلامی*. ترجمه کرامت‌الله افسر. به کوشش محمد یوسف کیانی. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.

_____، (۱۳۹۳). *معماری اسلامی*. ترجمهٔ باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی. تهران: انتشارات روزنه.